

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

جزء اول

سورة فاتحه ۱/

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهربان مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس و ستایش از آن الله است، پروردگار جهانیان،

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ يَوْمَ الدِّينِ

آن مهربان مهربان، خداوندگار روز جزا.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم.

أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

راهبری کن ما را [به] راه راست،

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

کسانی که نعمت داده ای بر آنان [که] نه خشم شده

وَلَا الضَّالِّينَ عَلَيْهِمْ

و نه گمراهان، بر آنها

ترتیب ۱

آیات ۷

سورة بقره/۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهربان مهربان

الَمْ (۱) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

الف، لام، میم. این کتاب نیست هیچ تردیدی در آن،

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

هدایتی است برای پرهیزگاران: کسانی که ایمان می آورند به غیب

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) وَالَّذِينَ

و برپا می دارند نماز را و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، و آنان که

يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ

ایمان می آورند به آنچه فرو فرستاده شده به تو و آنچه نازل شده است پیش از تو،

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴) أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّنْ

و به [روز] واپسین آنان یقین دارند. آنان بر هدایتی [استوار] اند از [سوی]

رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

پروردگارشان و آنان خودشان رستگارانند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ هَمَانَا [این] کسانی که کفر ورزیدند، یکسان است بر آنان، چه هشدارشان بدهی یا هشدارشان ندهی

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى ايمان نمی آورند. ﴿٦﴾ مهر نهاده است الله بر دل های شان و بر شنوایی شان؛ و بر

أَبْصَرِهِمْ غَشَوَهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ دیدگان شان پرده ای است، و برای آنان عذابی است بزرگ. ﴿٧﴾ و از مردم

مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ کسانی اند که می گویند: ایمان آوردیم به الله و به روز واپسین، درحالی که نیستند آنان مؤمن. ﴿٨﴾

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ [به گمان خود] فریب می دهند الله و کسانی را که ایمان آورده اند، درحالی که نمی فریبند جز خودشان را

وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا و در نمی یابند. ﴿٩﴾ در دل های شان بیماری ای است، پس افزودن الله بیماری [دیگری]؛

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠﴾ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ و برای آنان عذابی دردناک است به سبب آنچه دروغ می گفتند. ﴿١٠﴾ و هنگامی که گفته شود به آنان:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فساد مکنید در زمین؛ گویند: جز این نیست که ما اصلاح گریم. ﴿١١﴾ آگاه باشید که آنان

هُمْ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ خودشان مفسدند، ولی در نمی یابند. ﴿١٢﴾ و هنگامی که گفته شود به آنان:

ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنْتُمْ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ ايمان بیاورید چنان که ايمان آوردند این مردم؛ گویند: آیا ايمان بیاوریم چنان که ايمان آوردند این نابخردان؟

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُوا آگاه باشید که آنان خودشان نابخردند، ولی نمی دانند. ﴿١٣﴾ و هنگامی که دیدار کنند

الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَیْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا کسانی را که ايمان آورده اند، گویند: ايمان آورده ایم؛ و چون خلوت کنند با شیطان های شان، گویند: همانا ما

مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ با شما ایم، جز این نیست که ما ریشخند کننده ایم [مؤمنان را]. ﴿١٤﴾ الله ریشخند می کند آنان را، و او می گذارد آنها را

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ در سرکشی شان [درحالی که] سرگشته اند. ﴿١٥﴾ آنان کسانی هستند که خریدند گمراهی را

بِالْهُدَىٰ فَمَا رِيحَتِ بِسُودَىٰ نَدَا تَجَرَّتْهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾ به [بهای] هدایت، پس سودی نداد تجارت آنان؛ و نبودند راه یافته. ﴿١٦﴾

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
 مثل آنان چون مثل کسی است که آتشی را؛ پس چون روشن کرد [آتش] پیرامون آن [کس] را،

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ **صُمُّ**
 [از بین] برد الله روشنی آنها را و رها کرد آنها را در تاریکی هایی [که] [چیزی را] نمی بینند. ﴿١٧﴾ [آنان] کردند،

بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ **أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ**
 لالند، کورند؛ و آنان باز نمی گردند [از گمراهی]؛ یا مانند [گرفتاران در] بارانی سخت [باریده] از آسمان [که] در آن

ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْصِعَهُمْ فِي ءَاذَانِهِمْ مِّنْ
 تاریکی ها و رعد و برقی است؛ قرار می دهند انگشتان شان را در گوش های شان از

الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ **يَكَادُ الْبَرْقُ**
 [نهیب] صاعقه ها [از] ترس مرگ؛ و الله احاطه کننده کافران است. ﴿١٩﴾ نزدیک است [که] برق

يَخْطِفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ
 برباید چشمان شان را؛ هرگاه که روشنی دهد برای آنان، راه روند در آن (روشنایی)؛ و چون تاریک کند بر آنان،

قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
 بایستند؛ و اگر می خواست الله، قطعاً [از بین] می برد شنوایی شان و دیدگان شان را؛ همانا الله بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي**
 هر چیزی تواناست. ﴿٢٠﴾ ای مردم، پرستید پروردگارتان را؛ آن که

خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ **الَّذِي جَعَلَ لَكُم**
 آفرید شما را و کسانی را که پیش از شما بودند؛ باشد که شما پروا کنید. ﴿٢١﴾ همان که قرار داد برای شما

الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
 زمین را بستری، و آسمان را سرپناهی، و فرو فرستاد از آسمان آبی را، سپس برآورد

بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ
 با آن از محصولات روزی ای را برای شما؛ پس قرار ندهید برای الله همتایانی را حال آنکه شما

تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا**
 می دانید. ﴿٢٢﴾ و اگر هستید در تردیدی از آنچه فرو فرستادیم بر بنده مان، پس بیاورید

بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنَّ
 سوره ای همانند آن را، و فراخوانید گواهان تان را [به کمک] در برابر الله، اگر

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ **فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ**
 هستید شما راستگو. ﴿٢٣﴾ پس اگر نکردید - و هرگز نتوانید کرد - پس پروا کنید [از] آن آتشی

الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾
 که هیزم آن مردم و سنگ هاست؛ [که] آماده شده است برای کافران. ﴿٢٤﴾

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
و مژده ده [به] کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، که برای آنهاست باغستان‌هایی [که]

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
روان است از دامن آنها رودها؛ هرگاه روزی‌شان دهند از آن (باغها) از میوه‌ای

رَزَقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ
[به عنوان] روزی، گویند: این [همان است] که روزی داده شدیم از پیش؛ و داده شوند آن (روزی) را [که] همگون [روزی دنیا] است؛

وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ
و برای آنهاست در آنجا همسرانی پاکیزه؛ و آنان در آن جاودانند. ﴿٢٥﴾ همانا

اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا
الله شرم نمی‌کند [از] اینکه بزند مثلی [به] پشه‌ای و [یا] بالاتر از آن را. پس اما

الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا
کسانی که ایمان آوردند، پس می‌دانند [که] همانا آن (مثل) حق است از [سوی] پروردگارشان؛ و اما

الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا
کسانی که کفر ورزیدند پس می‌گویند: چه چیزی اراده کرده است الله به این مثل؟

يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ
گمراه می‌کند با آن بسیاری را، و هدایت می‌کند با آن بسیاری را؛ و گمراه نمی‌کند با آن

إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ
جز نافرمانان را. ﴿٢٦﴾ کسانی که می‌شکنند پیمان الله را پس از

مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
استوار ساختنش؛ و می‌گسلند آنچه را دستور داده است الله به آن که پیوند یابد؛ و فساد می‌کنند

فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ
در زمین؛ آنان خودشان زیانکارند. ﴿٢٧﴾ چگونه

تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ
کفر می‌ورزید به الله حال آنکه بودید مرده، و زنده کرد شما را؛ سپس می‌میراند شما را؛

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ
باز زنده می‌گرداند شما را؛ سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید؟ او کسی است که آفرید

لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ
برای شما آنچه را در زمین است همگی؛ آنگاه قصد کرد [ساختن] آسمان را،

فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾
و سامان داد آنها را [به صورت] هفت آسمان؛ و او به هر چیزی داناست. ﴿٢٩﴾

سخن مصحح، باز ترجمان و ویراستار در ویراست دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

ویراست نخست «باز ترجمان ترجمه تحت اللفظی شیخ الهمد» که در چاپ اول با استقبال دوستداران نوع ترجمه تحت اللفظی مواجه شد، مرا واداشت که برای ویراست دوم، با دقت و ظرافت بیشتری در آن نظر بیفکنم و در جهت بهسازی این نوع از ترجمه قرآن که از جهتی آموزشی و از جهت دیگر لغت معنا به شمار می‌رود بازبینی و تأمل به سزایی داشته باشم.

تذکرها و پیشنهادهای شماری از فرهیختگان و قرآن‌پژوهان که برخی از آنان از صاحب‌نظران حوزه ترجمه و تفسیرند، انگیزه دیگری برای کامل‌تر شدن این اثر در ویراست دوم آن گردید، به گونه‌ای که اگر در ویراست نخست، حدود هفتاد درصد تغییر و اصلاحات به عمل آمد، قطعاً در ویراست دوم آن، این تغییر و اصلاح به نود و هشت درصد رسید، و همین امر سبب گردید که زمان قابل توجهی صرف این بازنگری شود. کوشش‌ها و پیگیری‌های دست‌اندرکاران نشر ارجمند احسان و تلاش‌های مداوم نمونه‌خوان دقیق و ریزبین آن، مایه دلگرمی بیشتر اینجانب گردید تا با بررسی‌های همه‌جانبه، ساختار نوع ترجمه تحت اللفظی را مورد بررسی قرار دهم و واژگان مناسب‌تری را معادل کلمات قرآنی نمایم. و اینک با اطمینان کامل می‌گویم که در میان ترجمه‌های تحت اللفظی که تعداد آنها بسیار اندک است، این ترجمه از جهت شکلی و محتوایی از امتیازات بالایی برخوردار است که به طور خلاصه در بخش «سخن ویراستار» از ویراست اول در هفت بند ذکر گردید و اکنون در اصلاحات جدید شکل و محتوای دقیق‌تری پیدا کرده است. انتخاب رنگ‌ها برای تمایز کلمات و همگون بودن رنگ هر کلمه با ترجمه آن، علاوه بر جنبه‌های هنری و ذوقی، امری کاملاً فنی و تخصصی است به گونه‌ای که از طریق هم‌رنگ بودن کلمات مرکب و حتی در برخی موارد جملات هم‌رنگ، به خواننده القا می‌شود که تفکیک معنایی به صورت تحت اللفظی در همه جا امکان‌پذیر نیست. مثلاً در جمله «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» (اعراف/۱۴۹) تفکیک رنگ و معنا محال است، زیرا این جمله فقط یک معنای واحد دارد و آن هم «پشیمان شدند» است. همچنین در جمله «تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص/۳۲) تفکیک رنگ و معنا نادرست است، چون این جمله معنای کنایی «پنهان شدند/ از نظر دور شدند» دارد و نمی‌توان آن را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرد.

در مواردی هم، ترجمه تحت اللفظی برخی واژگان قرآنی به صورت زیرنویس به خاطر طولانی بودن بیان آن، ناممکن است، و ناچار باید بیان معانی آنها در پانویس یا حاشیه ترجمه ذکر شود مانند کلمات «بحیره، سائبه، وصیله و حام» (مائده/۱۰۳) که تعریف هر یک، نزدیک به یک سطر توضیح می‌طلبد، از این روی گنجاندن معانی آنها در ذیل کلمه، ناممکن است.

محمد علی کوشا

بهار-۱۳۹۷

سخن ویراستار

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش خدای یکتای بی‌همتا و بنده‌نواز را که به این بنده شیفته قرآن کریم توفیق عطا فرمود تا درباره ترجمه تفسیر کابلی که برگردانی به فارسی از ترجمه شیخ الهند است نیک بیندیشم و اصلاحات لازم و فراگیر را در آن به انجام رسانم.

به طور کلی پنج نوع ترجمه از قرآن کریم قابل تصور است:

۱- ترجمه تحت اللفظی ۲- ترجمه تطبیقی ۳- ترجمه تفسیری ۴- ترجمه مضمونی ۵- ترجمه منظوم.

● مراد از **ترجمه تحت اللفظی**، ترجمه‌ای است که معنای هر کلمه از آیات در زیر آن گنجانده شود و مترجم در ارائه معانی کلمه به کلمه آیات، خود را مقید به رعایت ضوابط دستوری زبان مقصد نکند. چنین ترجمه‌ای طبعاً از مقوله ترجمه مصطلح، خارج و در چهارچوبه «لغت - معنی» و یا «فرهنگ لغات» قرار می‌گیرد.

● مراد از **ترجمه تطبیقی**، این است که ترجمه کاملاً منطبق بر متن باشد و این انطباق باید هم در کمیت باشد و هم در کیفیت؛ یعنی حجم ترجمه به اندازه حجم متن، و مفهوم و محتوای ترجمه نیز بیانگر مفهوم و محتوای متن باشد و چیزی هم زائد بر متن نباشد.

● مراد از **ترجمه تفسیری**، ترجمه‌ای است که آمیخته با توضیح و تفسیر کوتاه باشد.

● مراد از **ترجمه مضمونی**، ترجمه‌ای است که مترجم تنها مضمون آیات را در قالب زبان مقصد خویش بگنجاند، و خود را مقید به تطبیق جمله به جمله متن در قالب ترجمه نگرداند. ظاهراً آنچه به عنوان «ترجمه آزاد» بر سر زبان‌ها جاری است، همان ترجمه مضمونی باشد.

● مراد از **ترجمه منظوم**، ترجمه شعری از قرآن کریم است که طبعاً تا حدود زیادی سمت و سوی ترجمه مضمونی را پیدا می‌کند؛ زیرا قالب نظم هر اندازه دقیق هم باشد نمی‌تواند مانند نثر، همه مفاهیم و محتوای متن را در خود جای دهد.

ترجمه کابلی و جایگاه آن

اصل این ترجمه به زبان اردو از مولانا محمود حسن ملقب به «شیخ الهند» است که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری در بریلی هند دیده به جهان گشوده است. پدر او مولانا ذوالفقار علی سرپرست مدارس علمی در «دیوبند» از توابع «سهارنپور» هندوستان بوده و به همین جهت هم نسبت «دیوبندی» بعد از نام مولانا محمود حسن ذکر شده است.

مولانا محمود حسن، پس از تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۲۸۳ هـ.ق پس از افتتاح دارالعلوم دیوبند به عنوان اولین

شاگرد آن مدرسه ثبت نام کرد و در اندک مدتی «صحاح سته» را از مولانا محمد قاسم نانوتوی فراگرفت و بخشی از کتب حدیث را نزد مولانا محمد یعقوب نانوتوی استاد ارشد دارالعلوم دیوبند آموخت و پس از هفت سال کوشش مستمر در ۱۹ ذی‌قعدة ۱۲۹۰ هـ.ق موفق به اخذ مدرک فارغ التحصیلی از آن مؤسسه علمی شد و از سال ۱۲۸۸ به عنوان «مدرس چهارم» فعالیت‌های تدریسی خویش را در همان آموزشگاه آغاز کرد و در سال ۱۳۰۵ به مقام «صدر مدرّس» یعنی «شیخ الحدیث» نائل آمد. و به تربیت شاگردان فراوانی پرداخت و در مدت ۴۴ سال تدریس، طلاب فاضلی از شاگردان ایشان به مقام والای علمی دست یازیدند.

شیخ الهند تمام زندگی خویش را برای نشر و احیای مفاهیم ارزشمند اسلامی و آموزه‌های والای قرآنی صرف کرد. وی در تقویت مسلمانان در نقاط گوناگون، کوشش‌های چشمگیری انجام داد. همچنین در متحد ساختن سران کشورهای اسلامی تلاش فراوانی کرد و نمایندگان و مبلغانی را به کابل و حجاز گسیل داشت و بر میزان فعالیت قرآنی خویش افزود. در ربیع الاول ۱۳۳۵، در جزیرهٔ مالت به اتهام شورش علیه حکومت وقت محاکمه گردید و در همان جزیره به زندان محکوم شد.

در دوران زندان، از اول شوال ۱۳۳۵ ترجمهٔ قرآن را به زبان اردو آغاز کرد و در دوم شوال ۱۳۳۶ در مدت یک سال آن را به پایان رساند. و تصمیم داشت برای آن پانوشتهایی اضافه کند. برای پانوشته‌ها، اقدام به بازبینی آن نمود و تا پایان سورة مائده را به سرانجام رساند. اما به دلیل بیماری حاصل از زندان از ادامهٔ پانوشته‌ها بازماند. از این رو بقیهٔ پانوشته‌های آن را «علامه شبیر احمد عثمانی» به انجام رسانیده است.

ایشان پس از بازگشت به وطن و ادامه تلاش‌های دعوتگرانهٔ خود، سرانجام در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۹ هـ.ق بر اثر بیماری در دهلی چشم از جهان فرو بست.

این اثر اردو زبان بنا به تصریح مترجم آن بر اساس ترجمهٔ «موضح القرآن» شاه عبدالقادر به درخواست عده‌ای از دوستانش به نگارش در آمده است، و به سه ترجمهٔ پیش از خود یعنی ترجمهٔ شاه ولی الله دهلوی، شاه رفیع الدین و شاه عبدالقادر اشاره می‌کند که با استفاده از آنها این ترجمه را سامان بخشیده است.

مترجم در مقدمهٔ مبسوط بر ترجمهٔ «موضح القرآن» شاه عبدالقادر می‌نویسد:

«واقعیت این است که ترجمهٔ شاه عبدالقادر از ابتدا تا انتها مشحون از نکات ظریف و دقیق است... البته پاره‌ای از این نکات را در جای خود بالاجمال یا با تفصیل عرض خواهم کرد... این امر نیز قابل ذکر است که وقتی شاه ولی الله دهلوی قرآن شریف را به فارسی ترجمه کرد، یک سری نکات ضروری و مهم را در حاشیه ذکر نمود اما این توضیحات برای عموم مسلمانان کفایت نمی‌کرد. پس از ایشان شاه عبدالقادر به ترجمهٔ قرآن پرداختند و بر بیان نکات تفسیری قدری افزودند... بعد از بیان کیفیت اصل ترجمه، می‌خواهم نکاتی دربارهٔ ترمیم و اضافات خویش بگویم. افزوده‌های بنده در دو زمینه بوده است؛ نخست یافتن معادل‌های جدید برای واژه‌ها و اصطلاحات مهجور و متروک؛ دوم توضیح موارد مجمل و باز کردن آن به قدر ضرورت. هر گاه نوبت جایگزین کردن معادل‌های جدید فرا رسیده، هیچ موردی را طبق سلیقه و برداشت خویش تغییر نداده‌ام، بلکه سعی کرده‌ام آن را از ترجمهٔ علمای بزرگ اقتباس کنم. گاهی از تفسیر شاه عبدالقادر که به زبان اردو نگارش یافته، استفاده کرده‌ام و گاهی از ترجمهٔ مولانا رفیع الدین و گاهی از ترجمهٔ فارسی شاه ولی الله تحت عنوان «فتح الرحمن» بهره جسته‌ام. علما در ترجمهٔ بعضی از کلمات قرآن با هم اختلاف نظر دارند در چنین مواقعی اکثر به اتباع شاه عبدالقادر پرداخته‌ام و در مواردی از شاه ولی الله متابعت کرده‌ام. در باب نکات تفسیری به ذکر تمام نکات تفسیری موضح القرآن ملتزم بوده‌ام، مگر

به ندرت مواردی بوده که ضرورت درج آن را نیافته‌ام. از آن جایی که در بیان نکات تفسیری وسعت و گنجایش وجود دارد و همانند ترجمه، انسان در دایره‌ای تنگ مقید نیست، بنده در استفاده از نکات تفسیری شاه عبدالقادر به این شیوه عمل کرده‌ام که عبارت او را در قالب عبارات خود بیان کرده و از تغییر و تبدیل، تقدیم و تأخیر و اجمال و تفصیل احتراز ننموده‌ام. حتی نکات تفسیری دیگری را که مفید دانسته، بر آن افزوده‌ام و در میان نکات تفسیری چون محدودیتی وجود نداشته است، به تفصیل روی بیاورید. علت دیگر مولانی شدن نکات تفسیری این است که شاه عبدالقادر فقط به توضیح آیات پرداخته و بنده علاوه بر آن به توضیح ترجمه او نیز پرداخته‌ام؛ زیرا محور تلاش من بیشتر کار روی ترجمه ایشان بوده است. از آن جایی که ترمیم و اضافات پراکنده بنده را نمی‌توان ترجمه‌ای جدید تصور کرد، انتخاب نام جدیدی را بر آن مناسب ندانستم، اما به خاطر التباس و رفع اشتباه، مصلحتاً مناسب دیدم که برای این ترجمه نیز همانند اصل آن نامی انتخاب گردد تا شبهه و التباس پیش نیاید. چون نام اصل ترجمه «موضح القرآن» است، گذاشتن نام «موضح الفرقان» را مناسب دانستم.

آنگاه در پایان مقدمه‌اش یادآور می‌شود که پس از انتشار این ترجمه و تفسیرش، خوانندگان، موارد ضعف آن را گوشزد نموده و به اصلاح آن پردازند.

آری، داشتن این گونه روحیه نقدپذیری بیانگر شرح صدر و صفای روح حقیقت‌جوی این قرآن‌پژوه ارجمند است عین عبارت ایشان چنین است:

«از اهل علم و انصاف التماس می‌کنم که اگر این ترجمه منتشر شد و به دست آنان رسید، آن را ملاحظه فرموده و اموری را که قابل اصلاح می‌دانند، در اطلاع دادنشان به بنده تأمل نفرمایند؛ و اگر شخصی خواست مستقلاً به اصلاح و ترمیم آن پردازد می‌تواند به آن اقدام نماید و در بهتر کردن و بارور نمودن آن کوتاهی نفرماید. این صلا‌ی عام است یاران نکته‌دان را.»^۱

ترجمه و تفسیر «موضح الفرقان» مولانا محمود حسن دیوبندی به زبان اردو، توسط یکی از شاگردان فاضل ایشان به نام مولانا شبیر احمد عثمانی - از شخصیت‌های علمی و سیاسی هند و پاکستان - به افغانستان منتقل می‌شود و در آنجا لجنه‌ای از علمای کابل به ترجمه فارسی آن می‌پردازند و عنوان «تفسیر کابلی» را پیدا می‌کند که بارها در پاکستان و افغانستان و ایران تجدید چاپ شده است. پس از آخرین چاپ جدید آن توسط **نشر احسان** در تهران، ناشر گرانقدر و فرهنگ‌دوست آن که تلاش فراوانی در نشر آثار قرآنی دارد به این جانب پیشنهاد «تصحیح»، «بازترجمان» و «ویرایش کامل» آن را به همان سبک زیرنویس (تحت اللفظی) دادند تا بهتر و بیشتر مورد استفاده قاریان و قرآن‌پژوهان واقع شود. ترجمه کابلی در واقع ترجمه‌ای مضمونی و به تعبیر دیگر ترجمه‌ای آزاد از ترجمه شیخ ال‌هند است. ترجمه شیخ ال‌هند به سبک مترجمان حنفی خراسان و شبه قاره هند رویکرد خاص خود را دارد و می‌توان گفت از ادبیات فارسی قرن ۵ و ۶ و ۷ کم و بیش تأثیر پذیرفته است. به گمان این جانب توجه به متون کهن فارسی به ویژه ترجمه‌های قرن ۴ تا ۱۲ و بازترجمان شماری از آنها یکی از ضرورت‌های فرهنگی عصر ما در عرصه قرآن‌پژوهی است. و اینک خدای را شاکرم که توفیق انجام این مهم - که نزدیک به دو سال به طول انجامید - را به من عنایت فرمود تا با کوشش پی‌گیر مداوم در مفردات قرآن کریم و شناسایی واژگان مناسب برای کلمات آن پس از مراجعه فراوان به منابع لغوی نزدیک به زمان نزول قرآن و بازنگری و بازترجمان ترجمه تحت اللفظی آن بر اساس معادل‌های ساده و روان، اثری دقیق در نوع ترجمه زیرنویس عرضه بدارم که ویژگی‌های آن به شرح زیر است:

رسالت این ترجمه، آشنایی خوانندگان قرآن کریم با معادل‌های واژگان فارسی آن است.

این اثر، جنبه «لغت - معنی» واژه‌های قرآن را دارد نه ضرورتاً تفهیم محتوایی آیات.

در این ویرایش، تلاش ویراستار این بوده که تا سر حد امکان، ذهن خواننده قرآن را به مقصود هر آیه نزدیک کند، هر چند چنین رسالتی از عهده ترجمه تحت اللفظی خارج است.

در معادل‌یابی کلمات، واژه‌های نزدیک به نثر معیار انتخاب شده است.

برای مفهوم‌تر شدن آیات، کم و بیش از توضیحات بسیار کوتاه در میان قلاب‌ها استفاده شده است.

هر چند در بازترجمان این ترجمه، تغییر واژگان و تبدیل آنها به واژه‌های مناسب‌تر به فراوانی انجام گرفته، ولی آرای مترجم - به ویژه در موارد اختلافی - دستخوش تغییر نشده است.

از جمله امتیازات ظاهری و شکلی این ترجمه، حسن سلیقه‌ای است که ناشر گرانقدر در رنگی نمودن متن و ترجمه آن به کار برده است، بدین گونه که هر واژه فارسی به رنگ همان کلمه قرآنی است که دقیقاً در زیر آن قرار گرفته است. این طرح نیکوی کم سابقه، خواننده قرآن را در معادل‌یابی واژگان فارسی آن به درستی رهنمون می‌سازد. و در ضمن تلاوت، معانی کلمات قرآن را به گونه آموزشی، در ذهنش استقرار می‌بخشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از نشر احسان، ناشر پر تلاش و دلسوز در حوزه علوم قرآنی نهایت تشکر را داشته، و از تلاش ایشان و همکاران توانمندشان در به ثمر رسیدن این اثر نفیس و ارزشمند قرآنی کمال قدردانی را به جای آورم.

امید است که این اثر، جلب توجه قاریان و تلاوت‌کنندگان قرآن کریم، و وسیله تقرب آنان به خدای متان گردد.

بهار ۱۳۹۲ - محمدعلی کوشا

سخن ناشر در چاپ جدید

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کتاب هدایت است و برای هدایت بشر بر پیامبر خاتم نازل شده است. در شماری از آیات نقش هدایت‌گری قرآن به تصریح بیان شده است: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲)، ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ (لقمان: ۳)، ﴿هُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (احزاب: ۲۴) «إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (اسراء: ۹). لازمه‌ی هدایت‌گری قرآن آن است که برای مخاطبان خود قابل فهم و درک باشد و معانی و اهداف آیات با کمترین تلاش، ذهن خواننده را به سوی خود جذب کند. امام شاه ولی‌الله دهلوی، فقیه و قرآن‌پژوه نامدار، در فرازی از مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان فارسی به نام فتح‌الرحمن می‌گوید:

«اگر انصاف دهی فایده‌ی اصلی از نزول قرآن اتعاض است به مواعظ آن، و اهتداست به هدایت آن، نه صرف تلفظ به آن. اگرچه تلفظ آن هم مغتنم است. پس چه مسلمانی به دست آورده است کسی که مدلول قرآن را نفهمد؟ و کدام خلوت دارد آن که مدلول کلام‌الله را نداند؟»

تفاسیر و کتاب‌هایی که با موضوعات قرآنی از سوی نشر احسان منتشر شده و در دسترس قرآن‌پژوهان و علاقمندان به قرآن قرار گرفته‌اند، با همین هدف تألیف، ترجمه و چاپ شده‌اند.

اما برای هرچه بیشتر نزدیک شدن به این هدف درصدد فراهم آوردن ترجمه‌ای تحت‌اللفظی (لغت - معنی) از آیات قرآن کریم برآمدیم. برای این منظور بررسی‌های موشکافانه در میان ترجمه‌های فارسی و غیرفارسی، معاصر و غیرمعاصر صورت گرفت، و در نهایت ترجمه‌ی مولانا محمود حسن (۱۳۳۹ - ۱۲۶۸ هـ. ق) که از علمای طراز اول هندوستان بوده است، مبنای کار قرار گرفت. ولی از آن‌جا که در ترجمه‌ی واژه‌های قرآنی گاه معادل‌های دشوار و نامأنوس و فاقد کاربرد نثر معیار، جایگزین شده است، لازم دیدیم تغییراتی در ترجمه‌ی اولیه که توسط عده‌ای از علمای افغانستان صورت پذیرفته بود و در قالب تفسیر کابلی چاپ شده بود؛ ایجاد کنیم و معادل‌های آن را با واژه‌های امروزی جایگزین کنیم.

برای نیل به این مقصود با استاد محمد علی کوشا، از قرآن‌پژوهان و صاحب‌نظران بنام، در حوزه‌ی ترجمه و تفسیر قرآن تبادل نظر کردیم. ایشان که هم دانش‌آموخته‌ی حوزه است و هم با ادبیات فارسی مأنوس است، کار ویرایش و بازنویسی این ترجمه را پذیرفتند و چنان که باید و انتظار می‌رفت، این کار را به اتمام رساندند. در مقدمه‌ی وزینی که به قلم ایشان آمده هم شیوه‌ی کار ایشان و هم معرفی این ترجمه به تفصیل بیان شده است.

خداوند توفیق داد و چاپ نخست این ترجمه به شیوه آراسته در دسترس مخاطبان و قرآن‌دوستان عزیز قرار گرفت. اما همچنان نیاز به ارتقاء کار احساس می‌شد. از همان روزهای آغاز انتشار چاپ اول، اقدام برای بهبود کیفیت ترجمه و معادل‌یابی‌های بهتر، در چاپ دوم آغاز شد. تلاش زیادی صورت گرفت تا این اثر از جوانب مختلف با حداقل اشتباه منتشر شود. آنچه مربوط به تصحیح متن قرآن می‌باشد، سازمان دارالقرآن و معاونت قرآن و عترت که نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و ترجمه‌ها را در سراسر کشور برعهده دارند، با دقت فراوان آن را بررسی کرده و پس از حصول اطمینان، مجوز چاپ آن را صادر نمودند که جا دارد از تمامی آن عزیزان تشکر و قدردانی نماییم.

در خصوص کنترل ترجمه‌ی فارسی در ویراست جدید، دوستان و قرآن‌پژوهان فراوانی در طول این چند سال ما را یاری دادند و با حوصله‌ی فراوان به بررسی و اصلاحات لازم همت گماردند و با تلاش شبانه‌روزی خود، چندین و چند بار این اثر را مورد بازنگری قرار دادند تا احتمال اشتباه در این بخش نیز به حداقل ممکن برسد. برای حصول به این مهم علاوه بر اصلاحات و ویرایش‌های استاد محمدعلی کوشا در ویراست دوم، دبیرخانه‌ای در نشر احسان تأسیس کردیم تا به نحو شایسته‌ای امور مربوط به بازبینی و اصلاح و ارتقای چاپ جدید را مدیریت نماید. در همین راستا، چندصد نسخه از این ترجمه را برای افراد توانا و ذی‌صلاح و علمای اعلام و قرآن‌پژوهان و مراکز تحقیقی ارسال نمودیم، تا با بررسی‌های خود ما را در ارتقای کیفی ترجمه و معادل‌سازی بهتر واژگان یاری رسانند. گردآوری و بررسی نقطه نظرات آنان و جمع‌بندی و اعمال آن ماه‌ها به طول انجامید. در این راستا دوست فاضل و گرامی جناب استاد امیررضا صدقی به نحو دقیقی نمونه‌خوانی و مطابقت‌های لازم را انجام دادند. و با مشورت‌های لازم و بعضاً جلسات متوالی و مستمر با جناب استاد کوشا، توانستند نسخه نهایی را برای چاپ دوم آماده کنند.

علاوه بر اصلاحاتی که در محتوای این چاپ ایجاد شده، سیمای ظاهری کتاب نیز با تغییرات اساسی روبرو بوده است. انتخاب خط جدیدی از خطاط بزرگ قرآن کریم استاد عثمان طه و تنظیم مجدد سطر به سطر و کلمه به کلمه آن با تلاش و جدیت همکار خوش ذوق و مهربان، جناب آقای ناصر کوردی و همکارانشان صورت پذیرفت. رنگ آمیزی‌های مناسب و تنظیم کلمه به کلمه قرآن با حوصله بیشتر و دقت وافر صورت پذیرفت تا زیر هر کلمه قرآن معادل معنایی فارسی آن نیز با همان رنگ درج گردد. اندازه صفحات و طول سطرها و حتی نوع رنگ‌ها با مشاوره‌های فراوان و همفکری دست‌اندرکاران چاپ و لیتوگرافی تعیین گردید. انتخاب نوع نقوش و رنگ و چینش آنها نیز با مشورت و همفکری تیمی هنری به سرانجام رسید. برای حصول به این مهم، هفته‌ها و ماه‌ها به بررسی نسخه‌های خطی و قدیمی و هنری موزه‌های مختلف ایران پرداخته شد و هر یک از تصمیمات در این راستا، با پشتوانه هنری بالایی اتخاذ شد. اصلاح تک تک صفحات و بازبینی آن‌ها و چند ده مرتبه پرینت و کنترل آن و حتی انجام تست چاپ قبل از اقدام به تولید کامل کتاب نیز با صرف هزینه و وقت زیادی صورت پذیرفته است.

صرف نظر از ارزش معنوی - که امیدواریم خداوند تلاش‌های ما را در میزان حسنات مان منظور فرماید - نشر احسان خود را صاحب امتیاز این اثر با ویژگی‌های بیان شده می‌داند و امیدواریم که خواننده گان گرامی، ناشران و مؤلفان خود را موظف به رعایت این حقوق بدانند.

اینک نشر احسان، پس از تلاش و کوشش فراوان چاپ جدید این اثر را در دسترس علاقه‌مندان و قرآن‌پژوهان قرار داده است. یقین داریم که راه اصلاح و تغییر و بهبود این کار همچنان گشوده است و امیدواریم که صاحب نظران همچنان که تاکنون ما را همراهی کرده‌اند، در ادامه مسیر نیز ما را از ارائه نقد‌ها و دیدگاه‌های ارزنده‌ی خود محروم نسازند. ما نیز متعهدیم که در هر چه بهتر عرضه کردن آن در چاپ‌های بعدی کوتاهی ننماییم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.